

# عفاف و حجاب در متون مقدّس با تأکید بر قرآن کریم<sup>۱</sup>

معصومه شریفی<sup>۲</sup>

محسن رفیعی<sup>۳</sup>

## چکیده

«عفاف» و «حجاب»، واژگانی مقدّس و نام آشنا در ادیان الهی، به ویژه آیین اسلام هستند و از دیرباز مورد توجه مفسران، محدّثان، تاریخ نگاران، جامعه شناسان و سایر اندیشمندان بوده اند. این دو واژه، افزون بر این که ریشه در شرع دارند، امری فطری بوده و مورد پسند روح پاک طلب آدمی هستند. با بررسی واژگان عفاف و حجاب می توان دریافت که رابطه ی این دو، به لحاظ منطقی، «عام و خاص مطلق» است؛ یعنی هر چند ممکن است برخی از باحجاب ها عقیف نباشند، ولی هر عقیفی حتماً باحجاب است. به دیگر سخن، هر آن که عقیف تر و از درون پاک تر باشد، خود را بیشتر به حجاب و پوشش، مقید می داند. با توجه به بررسی های انجام شده در قرآن کریم و کتاب مقدس، فرضیه این پژوهش به اثبات رسید که همه ادیان الهی به عفاف و حجاب اهمیت بسیار داده اند و احکام متعددی برای آن وضع کرده اند. در قرآن کریم هم که برترین و ماندگارترین آیین نامه الهی است، عفاف و حجاب، جایگاهی بس بالا و والا دارد و کامل ترین و جاودانه ترین آیین نامه ها و فرمان ها به منظور حفظ حجاب و عفاف و جلوگیری از ابتلا به گناهان مخرب شخص و جامعه آمده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که جلوه های حجاب و عفاف در قرآن کریم در چهار سطح پوشش، نگاه، گفتار و رفتار است. **واژه های کلیدی:** عفاف، حجاب، جلاباب، قرآن کریم، متون مقدّس.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۸

۲. استادیار، دانشگاه فرهنگیان، گروه آموزشی معارف اسلامی پردیس حضرت معصومه علیها السلام قم، ایران.  
dr\_shariff\_masoomeh@yahoo.com

۳. استادیار، دانشگاه فرهنگیان، گروه آموزشی معارف اسلامی پردیس آیت الله طالقانی (ره) قم، ایران.  
dr\_mohsen\_rafeei@yahoo.com

## مقدمه

«عفاف» و «حجاب»، دو واژه مکمل هستند که همواره مورد توجه بسیاری از مفسران، محدثان، تاریخ نگاران، جامعه شناسان و سایر اندیشمندان بوده اند. این دو واژه، افزون بر این که ریشه در شرع دارند و از احکام ثابت الهی شمرده می شوند مورد توجه فطرت پاک بشر نیز هستند. برای اثبات این ادعا، می توان از دلایل عقلی، نقلی و بسیاری از شواهد تاریخی یاری گرفت. اسلام به عنوان یکی از ادیان زنده جهان و کامل ترین و جاودانه ترین آیین الهی، بر مسأله عفاف و حجاب تأکید بسیار دارد و از آن جا که مهم ترین منبع تشریح اسلام، قرآن کریم است، آگاهی از جایگاه این مسأله در این متن مقدّس از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار است. بدیهی است که هدف اساسی و کلان در این پژوهش نیز تبیین و روشن سازی جایگاه عفاف و حجاب در قرآن کریم است. روش پژوهش در نوشتار حاضر به لحاظ ابزار و شیوه گردآوری اطلاعات، «کتابخانه ای»، هدف نگارش آن «بنیادی» و شیوه پردازش پاسخ به پرسش های پژوهش، «توصیفی - تبیینی» است. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که عفاف و حجاب چه جایگاهی در قرآن کریم و متون مقدّس دارد؟

فرضیه پژوهش حاضر این است که در همه ادیان الهی به مسأله عفاف و حجاب پرداخته شده است، ولی با بررسی قرآن کریم، می توان جایگاه بالا و والای عفاف و حجاب و کامل ترین احکام را در این باره مشاهده کرد. مطالب این نوشتار در چهار بخش ارائه می شود: ۱. مفهوم شناسی؛ ۲. تاریخچه مسأله؛ ۳. رابطه میان عفاف با حجاب؛ ۴. عفاف و حجاب در قرآن کریم.

## ۱. مفهوم شناسی

در بخش مفهوم شناسی به بررسی واژگان متن مقدّس، قرآن کریم، حجاب، عفاف و جلباب می پردازیم.

### ۱.۱. متن مقدّس

«متن مقدّس»، ترکیب وصفی از دو واژه متن و مقدّس است. مراد از متن مقدّس، آن متنی است که صیغه ای الهی دارد؛ یعنی از سوی خداوند متعال صادر شده باشد. مادّه «ق د س»

به معنای «ظهر» (پاکی) است و مقدّس هم - که اسم مفعول است - به معنای «پاکیزه و پاک داشته شده» است. بر پایه همین معناست که بهشت را «حظیره القدّس» می‌گویند و یا به یکی از صفات خداوند، «قُدّوس» گفته می‌شود و یا جبرئیل را «روح القدّس» می‌نامند (ابن فارس، ۱۳۸۷، ۸۰۷). «حدیث قُدّسی» را نیز از این جهت چنین نامیده‌اند که به خدا نسبت داده شده است و به آن «حدیث ربّانی و الهی» و «اسرار الوحی» هم گفته‌اند (رامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۷). آیین موسویان و عیسویان، تورات و انجیل (عهودین / عهد عتیق و عهد جدید) را از متون مقدّس می‌دانند که به آن‌ها «کتاب مقدّس» نیز می‌گویند. کتاب مقدّس را در فرهنگ پهلوی، «مانسر» می‌نامند و «نامه آشویک» هم به آن گفته می‌شود (پرتو، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۵۰۱). مسلمانان هرچند برای حضرت موسی و عیسی علیهما السلام به عنوان پیامبران اولوالعزم الهی، احترام بسیار قائل هستند، ولی بر این باورند که کتب ایشان تحریف و یا حتّی تألیف شده است؛ از این رو متن مقدّس نزد مسلمانان، قرآن کریم است که هیچ‌گونه تحریفی در آن راه نیافته است.

یادآوری این نکته ضروری است که از نظر مسلمانان، سیره و سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل برخورداری از حجّیت، مستند است (ر.ک. رفیعی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸-۱۴۳) و همچنین شیعه امامیه، افزون بر هم نظر بودن با سایر هم‌دینان خود (اهل سنّت) در این زمینه، سیره و سنّت قولی و فعلی اهل بیت رسول خدا علیهم السلام را نیز به دلیل برخورداری از حجّیت، مقدّس می‌دانند. (رفیعی و شریفی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵-۱۷۶) مفسر گرانقدر معاصر، آیت الله جوادی آملی (حفظه الله)، در نگارش‌های خویش، بارها از کلید واژگان «متن مقدّس» و «متون مقدّس» برای قرآن کریم استفاده کرده است (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۸ و ۶۱ و ۲۰۴-۲۰۵ و ۲۱۱-۲۱۲ و ۲۱۵-۲۱۶ و ۲۲۴-۲۲۹؛ ج ۴، ص ۲۵۴).

## ۲.۱. قرآن کریم

آخرین و کامل‌ترین کتاب وحی خداوند، دارای نام‌ها و صفات بسیار است. مشهورترین آن‌ها، واژه «قرآن» است که به طور معمول با ترکیب وصفی و به صورت «قرآن کریم» (واقعه: ۷۷) و «قرآن مجید» (بروج: ۲۱) به کار می‌رود. واژه قرآن، اسم فعل یا مصدری بر وزن «فُعْلان» از مادّه «ق ر ء» (مهموز) است و به معنای «خوانده»، «خواندنی» و «تلاوت شده» (اسم مفعول) است؛

هرچند که برخی هم قرآن را از ماده «ق ر ن» و یا «ق ر ی» می دانند (رامیار، ۱۳۹۳، ص ۱۲-۲۳).  
 واژه های «کریم» و «مجید» هم که به طور معمول به عنوان صفت همراه با اصطلاح قرآن به کار  
 می روند، به معنای بزرگ، والا و شرافتمند هستند (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۷؛ ج ۱، ص ۳۲-۳۴).  
 برای این کتاب نورانی، تعریف های بسیار ارائه شده است و تعریف برگزیده آن نزد  
 نگارندگان از این قرار است:

«الْقُرْآنُ وَحْيُ اللَّهِ الْمُنَزَّلُ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَفْظًا، مَعْنَى وَأَسْلُوبًا؛  
 الْمُنْقُولُ بِالتَّوَاتُرِ، وَالْمَكْتُوبُ فِي الْمَصَاحِفِ»؛ قرآن، وحی نازل شده خداوند به پیامبرش حضرت  
 محمد ﷺ (با این ویژگی ها) از نظر لفظ و معنا و اسلوب؛ نقل شده به تواتر (سینه به سینه)؛ و  
 نگاشته شده بر کتاب ها (محمد سلامه، بی تا، ص ۸۶)

### ۳.۱. حجاب

واژه «حجاب» به معنای حائل، حاجز و مانع از تلاقی دو چیز یا اثر آن ها است؛ چه هر دو  
 مادی، معنوی و یا مادی و معنوی باشند (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۶۷). از جمله واژه هایی  
 که هم معنا و یا نزدیک به معنای حجاب در زبان عربی به کار رفته عبارت است از: «سدافه،  
 سجافه، ستر، غطاء، لطف، رین، حاجز». بدیهی است تفاوت هایی میان این واژه ها وجود دارد  
 که پرداختن به آن، از توان این نوشتار خارج است و مجال دیگری می طلبد.

این واژه در زبان فارسی به این معانی است: «پوشش، پوش، پوشاندن، پوشنده (اسم  
 فاعل)، پوشاننده (اسم فاعل)، پوشیدن، پوشیده (اسم مفعول)، پوشیده رخ، پوشیده شدن،  
 چاخچور، چادر، چادر نماز، چارقد، پاپوش، رو پوشیده (اسم مفعول)» (تونجی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۵ و  
 ۲۱۰ و ۱۳۳ و ۳۰۴). به هر تقدیر، شهید مطهری با طرح این پرسش که معنای لغوی حجاب که در  
 عصر ما این کلمه برای پوشش زن معروف شده است، چیست؟ خود، این گونه پاسخ می دهد:  
 «کلمه ی حجاب، هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب.  
 بیش تر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش  
 می دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل

لغت، هر پوششی حجاب نیست. آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۴۲۹).

ایشان همچنین بیان می‌کند که استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح به نسبت جدید است. در قدیم و به خصوص در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها در «کتاب الصلوه» و «کتاب النکاح» کلمه ستر را به کار برده‌اند، نه کلمه حجاب را (همان، ص ۴۲۹-۴۳۰). ریشه «ح ج ب»، ۸ بار و با ۳ اشتقاق در قرآن کریم به کار رفته است که هیچ یک از آن‌ها به معنای «پوشش زن» نیست (عبدالباقی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶).

#### ۴.۱. عفاف

واژه «عفاف» از ریشه «ع ف ف» و در معنای آن گفته شده است: «هُوَ الْكُفُّ عَنِ الْحَرَامِ وَ السُّؤَالِ مِنَ النَّاسِ»؛ دست کشیدن از حرام و درخواست از مردم (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۶۴). ابن منظور در شرح این واژه چنین می‌گوید: «الْكُفُّ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ»؛ دست کشیدن از آنچه حلال و زیبا نیست (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۲۵۳-۲۵۴) و در التحقیق به این معنا آمده است: «كُفُّ النَّفْسِ عَنِ تَمَائِلَاتِهِ غَيْرِ الصَّالِحَةِ لَهُ»؛ بازداشتن نفس از خواهش‌های نادرست (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۸۰-۱۸۱). البته تفسیر ماده «عَفَّه» به دست کشیدن از زشتی، آن چه شایسته نیست، آن چه حلال نیست، آن چه زیبا نیست، حرام، درخواست، شکیبایی، پاکدامنی یا سایر موارد، نوعی تفسیر تقریبی است و اصل جامع در این معنا «نگاه‌داری نفس از تمایلات و شهوت‌های نفسانی» است (همان).

در زبان عربی، در مقابل واژه عقیف، واژه «عاهر» (ناپاک) و «روسپی یا روسپی» (زانیه، فاجره، عاهره) به کار می‌رود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۰۵؛ ج ۲، ص ۲۸۰). واژه‌های عفاف و عقیف در زبان فارسی، در این معانی به کار رفته‌اند: «پاک، پاکدامن، پاک زن، پاکرو (اسم فاعل)، پاکیزه، پرهیز، پرهیزکار و پرهیزگار، پرهیزیدن، ناموس» (تونجی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۷ و ۱۵۳ و ۵۶۲). ریشه «ع ف ف» ۴ بار و با ۳ اشتقاق در قرآن کریم به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۷۴، ص ۵۹۲). بستر مشترک

در معنای اصلی عفاف و حجاب، «منع» و «بازدارندگی» است، با این تفاوت که حجاب در منع مادی و معنوی به کار می‌رود، ولی منظور عفاف، منع معنوی است.

### ۵.۱. جلاب

از جمله واژگان مهم قرآنی که درباره پوشش زنان به کار رفته، واژه «جلباب» است. در قرآن کریم آمده است: «...يُذْنِبِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ جَلَابِيهِنَّ...» (احزاب: ۵۹)؛ روپوش‌های خویش را بر خویشان برکشند «جلباب» مصدر رباعی از ریشه ی «جَلَبَ» است که در معنای آن گفته‌اند: «هُوَ السُّوقُ مِنَ جَانِبِ إِلَى جَانِبِ آخَرَ وَ الْإِتْيَانُ بِشَيْءٍ مِنْ مَحَلِّ إِلَى مَحَلِّ آخَرَ»؛ جهت‌گیری از کناره‌ای به کناره دیگر و آوردن چیزی از مکانی به مکان دیگر.

یکی از معانی این واژه، پوشش زن است که در آیه ۵۹ سوره احزاب نیز به آن اشاره شده است. جَلَابِيْب در این آیه جمع جلاب است و کتب لغت این معانی را برای آن بیان کرده‌اند: «الْخِمَارُ، الْقَمِيصُ، ثَوْبٌ أَوْسَعُ مِنَ الْخِمَارِ، دُونَ الرِّدَاءِ تَغْطِي بِهِ الْمَرْأَةُ رَأْسَهَا وَ صَدْرَهَا؛ وَ قِيلَ: هُوَ ثَوْبٌ وَاسِعٌ، دُونَ الْمَلْحَفَةِ، تَلْبَسُهُ الْمَرْأَةُ؛ وَ قِيلَ: هُوَ الْمَلْحَفَةُ، الْإِزَارُ؛ مَقْنَعَهُ، پِيرَاهَن، رِخْتِي فِرَاحٍ تَرَاز مَقْنَعَهُ وَ چِيزِي غَيْرِ از بِالْأُپُوشِ كِه زَن بَه وَسِيلَه آن، سَر وَ سِينَه اش را می پوشانند و همچنین گفته‌اند جلاب، رِخْتِي فِرَاحٍ غَيْرِ از مَلْحَفَه است كِه زَن می پوشد و نیز بیان شده است كِه جلاب، همان مَلْحَفَه یا پایین پوش است» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۴).

علامه مجلسی، جلاب را این گونه معنی و تفسیر کرده است: «جلباب - با کسر حرف جیم - عبارت است از پیراهن یا رِخْتِي فِرَاحٍ ویژه زن، غیر از مَلْحَفَه، یا همان مَلْحَفَه با مقنعه، یا رِخْتِي همانند مقنعه که بوسیله آن، سر و پشت و سینه اش را می پوشانند و مراد از «تجلبب» یعنی آن را پوشش خود قرار می‌دهد». علامه مصطفوی بر آن است که تکرار «لام الفعل»، دلالت بر دوام و استمرار در جَلَب دارد تا آن جا که آن چه را به سُویش سوق پیدا می‌کند، به طور کامل در بر بگیرد. پس اگر به انواع پوشش زنان، جلاب گفته می‌شود از این جهت است که همه بدنش را می پوشانند و عفافش را پاس می‌دارد و از پدیدار شدن بدن و

شناخته شدن زن و در نهایت مورد آزار قرار گرفتن وی، جلوگیری می‌کند (ر. ک. مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۹۳-۹۶).

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَتَّخِذْ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا»؛ هر آن که ما اهل بیت علیهم السلام را دوست می‌دارد، باید برای هنگامه ناداری خویش، پوشش و لگامی برگیرد (مفید، بی تا، ص ۳۱۱-۳۱۲). برخی برآنند که مراد آن حضرت از جلباب در این حدیث شریف، کنایه از «صبر» است و این گونه تفسیر کرده‌اند که همان گونه که جلباب، سرتاسر بدن را می‌پوشاند، صبر نیز فقر و ناداری را می‌پوشاند (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۱۸۲).

## ۲. تاریخچه عفاف و حجاب در قرآن کریم و متون مقدس

تاریخچه مسأله عفاف و حجاب به آغاز آفرینش - ماجراهای پُر فراز و نشیب آدم و حوا - باز می‌گردد. در قرآن کریم آمده است که شیطان پس از رانده شدن از درگاه خداوند، آدم و حوا را به خوردن از میوه درختی که از سوی خداوند پرهیز داده شده بودند، وسوسه کرد تا با خوردن از آن، زشتی‌های پنهانشان، پدیدار شود. پس شیطان به دروغ بر آنان سوگند یاد کرد که من از خیرخواهانم و سرانجام، فریبتان داد. پس آن گاه که از آن درخت ممنوعه خوردند، زشتی هاشان آشکار شد و بر آن شدند تا از برگ درختان بهشت، خود را بپوشانند (اعراف: ۱۸-۲۲). خداوند در این باره می‌فرماید: «... فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ...»؛ آن گاه که از آن درخت چشیدند، عورت هاشان پدیدار شد و در پی گردآوری برگ‌های بهشت برای پوشانیدن خود بر آمدند (اعراف: ۲۲). بنابراین در قرآن اشاره شده است که مسأله پوشش به فطرت پاک آدمی باز می‌گردد.

در تورات نیز این گونه به ماجرای آدم و حوا اشاره شده است: «آن گاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس از برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند». (کتاب مقدس، ۲۰۰۲، سفر پیدایش، باب ۲، بند ۷). پوشش و پاکدامنی در آیین یهود، پیشینه دارد. در کتاب مقدس یهودیان آمده است: «رفقه» چشمان خود را بلند کرده، اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد؛ زیرا که از خادم پرسید: «این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما

می آید؟» خادم گفت: «آقای من است.» پس بُرقع خود را گرفته، خود را پوشانید (کتاب مقدس، ۲۰۰۲، سفر پیدایش، باب ۲۴، بند ۶۴-۶۵). در این آیین به شدت از تشبیه مردان به زنان پرهیز داده و بیان شده است: «و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هرکه این را کند مکروه یهوه خدای توست» (کتاب مقدس، ۲۰۰۲، سفر تثئیه، باب ۲۲، بند ۵).

در آیین مسیحیت نیز همچون سایر ادیان الهی، پوشش و پاکدامنی از جایگاه والایی برخوردار است. در این آیین آمده است: «و همچنین زنان خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران بها؛ بلکه چنان که زنانی را می‌شاید که دعوی دینداری می‌کنند به اعمال صالحه. زن با سکوت، به کمال اطاعت تعلیم گیرد» (کتاب مقدس، ۲۰۰۲، رساله اول پولس به تیموتاؤس، باب ۲، بند ۹-۱۱).

این نمونه‌ها، نشان از چند نکته اساسی دارد: ۱. نخستین انسان‌ها از آغاز آفرینششان، جویای پوشش و بیزار از عریانی بوده‌اند. ۲. پوشش و پاکدامنی، پیشینه در ادیان الهی دارد. ۳. ادیان الهی، دارای بستر و آبخور مشترک هستند. ۴. شایسته و بایسته است این مشترکات ادیان الهی را دریافت، برجسته کرد و با هدف همگرایی بر اساس آن‌ها به گفتگو پرداخت.

### ۳. رابطه عفاف با حجاب

با توجه به آن چه در مفهوم‌شناسی واژگان عفاف و حجاب گذشت، حجاب امری ظاهری (بیرونی) و معنوی (درونی) است؛ ولی عفاف امری صرفاً معنوی و درونی است. با این اوصاف درمی‌یابیم که هر دوی ای‌ها لازم و ملزوم هستند. به دیگر سخن، هر آن‌که عقیف‌تر و از درون پاک‌تر باشد، خود را بیشتر مقتید به حجاب و پوشش می‌داند. در واقع، هرکه از پوشش و حجاب خویش پاسداری کند به عفاف و پاکدامنی خویش کمک کرده است. حجاب، همچون صدفی است که از مروارید عفاف و پاکدامنی زن، پاسداری می‌کند. این راهم باید در نظر داشت که ممکن است برخی از با حجاب‌ها عقیف نباشند؛ ولی هر عقیفی حتماً با حجاب است. پس رابطه عفاف و حجاب به لحاظ منطقی، «عام و خاص مطلق» است.



## ۴. عفاف و حجاب در قرآن کریم

در قرآن کریم که کامل ترین و جاودانه ترین آیین نامه الهی است، احکام عفاف و حجاب و حکمت آن ها بیان شده است. جلوه های عفاف و حجاب در قرآن کریم را می توان در چهار سطح، پوشش، نگاه، گفتار و رفتار بررسی کرد. شرح و تفسیر هریک از این موارد نیازمند پژوهش های مستقل و گسترده است که در این نوشتار برای رعایت اختصار، به شرح اجمالی آن ها بسنده شده است.

### ۱.۴. پوشش

خداوند متعال، از آنجا که خود باحیا، باغیرت، پوشیده و پوشاننده است، انسان ها را نیز این گونه آفریده است. پس بر هر زن و مردی که دارای فطرت الهی و پاکی طلب است، شایسته و بایسته است که همین گونه باشد. شارع مقدّس، هم به صورت عمومی و هم با خطاب ویژه به مردان و زنان، از ایشان خواسته است که حجاب و عفاف را در ابعاد مختلف آن از جمله در پوشش رعایت کنند.

قرآن در خطاب عمومی به زنان و مردان مسلمان چنین می فرماید: «...وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ...» (احزاب: ۳۵)؛ و مردان و زنانی که فرج های خود را نگاهدارند. همچنین در خطاب ویژه به مردان بیان شده است: «...وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» (نور: ۳۰)؛ و فرج های خود را نگاهدارند و به زنان نیز امر شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...» (احزاب: ۵۹)؛ ای پیامبر! به زنان و دختران خویش و زنان مؤمنان بگو که روپوش های خویش را بر خویشان برکشند. این نزدیک تر است به آن که شناخته شوند، پس آزار نشوند. در آیه ای دیگر خطاب به زنان مؤمن چنین آمده است: «...وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِمُخْمَرِهِنَّ عَلَىٰ جُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...» (نور: ۳۱)؛ و فرج های خود را نگاهدارند؛ و زیور خود را آشکار نسازند مگر آن چه را که نمایان است از آن؛ و باید مقنعه های خود را بر گریبان های خود بیفکنند؛ و زیور خویش را پدیدار نکنند. رعایت پوشش حکمی یکسان برای زنان و مردان است که در شکل و اندازه آن

با هم تفاوت دارند. زنان با توجه به نوع خلقت و زیبایی‌های ظاهریشان باید همواره خود را از نگاه نامحرمان بپوشانند و از جلب توجه و اظهار زینت‌های خود بپرهیزند.

#### ۲.۴. نگاه

زنان و مردان، دارای حریم‌هایی هستند که به نسبت این حریم‌ها از یک سو حقوقی برای هریک از آنان ایجاد می‌شود و از سوی دیگر، تکالیف و محدودیت‌هایی برای دیگران پدید می‌آید. حریم زن، به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد از حساسیت‌های ویژه‌ای برخوردار است و به دلیل این‌که منشأ حق این حریم از خداوند است، همه انسان‌ها ملزم به رعایت حریم خود و دیگرانند و هیچ‌کس حق انتخاب رعایت یا عدم رعایت این حق را ندارد. از جمله مواردی که در این حریم‌ها باید رعایت شود، «حفظ نگاه» است که خداوند با صراحت از مردان و زنان می‌خواهد مراقب دیدگان خود باشند. در قرآن کریم خطاب به مردان آمده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (نور: ۳۰)؛ و به مردان با ایمان بگو که دیدگان خود را فرو بخوابانند. زنان نیز در این حکم با مردان یکسان هستند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (نور: ۳۱)؛ و به زنان با ایمان بگو که دیدگان خود را فرو بخوابانند.

#### ۳.۴. گفتار

خداوند متعال در کتاب نورانی خویش با الفاظی همچون «قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)، «قَوْلًا لَيِّنًا» (طه: ۴۴) و «قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء: ۲؛ احزاب: ۷۰) از همگان خواسته است که در همه ابعاد زندگی، گفتاری نیکو، شایسته، نرم و استوار با یکدیگر داشته باشند، اما در برخورد با نامحرم برای جلوگیری از ابتلا به گناه، قواعد و احکامی مقرر فرموده است که هر دو طرف باید رعایت کنند. خداوند از مردان خواسته که در گفتارشان با نامحرم، رعایت حریم شرعی را داشته باشند و از زنان هم خواسته که در گفتار با نامحرم، به نرمی سخن نگویند تا موجب دل‌بستگی بیمار دلان نشوند که به دو نمونه از این آیات اشاره می‌شود. در قرآن کریم خطاب به مردان آمده است:

«وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهِ أَنْتُمْ سَتَدْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنَّ لَكُمْ عِدْوَهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا...» (بقره: ۲۳۵)؛  
 و باکی بر شما نیست در آن چه به آن اشاره کرده‌اید از خواستگاری زنان یا در  
 دل خویش نهان داشته‌اید. خداوند دانست که با آنان سخن خواهید گفت؛  
 ولی ایشان را پنهانی وعده ندهید مگر آن که گفتاری نیکو بگویید.

همچنین خداوند به زنان توصیه کرده است: «إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)؛ اگر خدا را پروا می‌دارید، پس نرمی در گفتار نشان  
 ندهید تا آن که در دلش بیماری هست امید بندد و گفتاری نکو بگوید.

#### ۴.۴. رفتار

رفتار انسان‌ها همچون گفتارشان باید شایسته و پسندیده باشد و ضمن پرهیز از خودآرایی  
 ضرورت دارد با عفاف، حجاب و حیا رفتار کنند. در این باره دو نوع خطاب عمومی و ویژه به  
 مردان و زنان در قرآن کریم آمده است. خداوند در خطاب عمومی به مومنان می‌فرماید: «يَا  
 أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا...» (نور: ۲۷-۲۹)؛  
 ای آنان که ایمان آورده‌اید! درون خانه‌هایی جز خانه‌های خود وارد نشوید تا آشنا شوید و بر  
 ساکنانش سلام کنید. و در جای دیگر می‌فرماید: «...وَ الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَافِظَاتِ...»  
 (احزاب: ۳۵)؛ و مردان و زنانی که فرج‌های خود را نگاهدارند.

در خطاب ویژه به مردان در قرآن کریم آمده است: «...وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ  
 وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ...» (احزاب: ۵۳)؛ و هرگاه از زنان کالایی خواستید،  
 پس از پشت پرده و پوشش از آنان بخواهید که این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاک‌تر  
 است. «...وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» (نور: ۳۰)؛ و فرج‌های خود را نگاهدارند. در این دو آیه خداوند  
 موانعی برای مردان تعیین کرده است که به واسطه عمل به آن‌ها گرفتار گناه نشوند. همچنین  
 به زنان نیز امر شده است: «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳)؛ و  
 در خانه‌های خویش بیارمید و مانند جاهلیت نخستین، خودنمایی و پیکر آشکاری نکنید.

﴿فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ...﴾ (قصص: ۲۵)؛ پس یکی از آن دو دختر، با نهایت حیا، نزد او [موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ] باز آمد. ﴿وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (نور: ۳۱)؛ و فرج های خود را نگاهدارند. بدیهی است که حفظ «فرج»، در بردارنده ی حجاب و پاکدامنی است. به همین جهت این دست از آیات، شامل پوشش و رفتار نیز می شود. ﴿... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...﴾ (نور: ۳۱)؛ و آن گونه پای به زمین نکوبند که زیور پنهان [که در پاهایشان است] دانسته شود. در این آیات نیز خطاب به زنان دستوراتی آمده است که با عمل به آن ها، خود و جامعه را از ابتلای به حرام و آسیب های روحی بعد از آن حفظ کنند.

### نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر در زمینه بررسی عفاف و حجاب در قرآن کریم و متون مقدّس نشان می دهد که نخستین انسان ها از آغاز آفرینششان جویای پوشش و بیزار از عریانی بوده اند. پوشش و پاکدامنی، پیشینه در ادیان الهی دارد. در قرآن کریم، عفاف و حجاب، جایگاهی بالا و والا دارد و به چهار سطح از عفاف و حجاب پرداخته شده که عبارت است از: (۱) پوشش، (۲) نگاه، (۳) گفتار، (۴) رفتار. خداوند متعال در قرآن مجید، هم به صورت عمومی و هم با خطاب های ویژه به مردان و زنان، از ایشان خواسته است پاکدامنی را در همه سطوح و ابعاد مختلف آن رعایت کنند. در خصوص مسأله پوشش، خداوند با خطاب عمومی و همچنین با خطاب ویژه به زنان و مردان، از ایشان می خواهد شرمگاه های خویش را نگاه دارند. همچنین به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور داده است که از زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بخواهد زیور خود را آشکار نکنند. در خصوص مسأله نگاه از مردان و زنان با ایمان می خواهد که دیدگان خود را فرو خوابانند و در زمینه مسأله گفتار، از مردان خواسته پنهانی به زنان وعده ندهند؛ مگر این که گفتاری نیکو بگویند و از زنان خواسته گفتاری نیکو بگویند و نرمی در سخن نشان ندهند تا بیمار دلان را به طمع نیندازند. در خصوص مسأله عفاف در رفتار نیز آیات بسیار وجود دارد. در خطاب های عمومی و در قالب یک سفارش تربیتی از همه مؤمنان می خواهد که پیش از آشنا شدن، درون خانه های دیگران نشوند و بر ساکنان آن خانه سلام کنند و پاکدامنی را رعایت کنند. از مردان

هم می خواهد بیده و بستان های خویش با زنان را از پشت پرده و پوشش انجام دهند که این برای دل های هر دو طرف پاک تر است. از همسران پیامبر نیز می خواهد که در خانه های خویش بیارامند و مانند جاهلیت نخستین، خودنمایی و پیکرآزایی نکنند و آن گونه پای به زمین نکوبند که زیور پنهان در پاهایشان شناخته شود. خداوند همچنین رفتار همراه با حیای دختر شعیب را در گفتگو با حضرت موسی علیه السلام به عنوان الگویی در رفتار با نامحرم معرفی کرده است.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن اثیر، معمر بن مثنی. *النهایه فی غریب الحدیث*، تحقیق طاهر زاوی، محمود طناحی، چاپ چهارم، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
  ۲. ابن فارس، احمد. *مقاییس اللغه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
  ۳. ابن منظور، محمد. *لسان العرب*، بی جا: ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.
  ۴. پرتو، ابوالقاسم. *واژه یاب (فرهنگ برابرهایی پارسی واژگان بیگانه)*، چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
  ۵. تونجی، محمد. *فرهنگ فارسی-عربی*، چاپ دوم، تهران: هیرمند، ۱۳۷۷.
  ۶. جوادی آملی، عبدالله. *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، تنظیم و ویرایش علی اسلامی، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۷۹.
  ۷. رامیار، محمود. *تاریخ قرآن*، چاپ یازدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳.
  ۸. رفیعی، محسن. *مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام) نزد غیر شیعه*، رساله دکتری، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۹۰.
  ۹. رفیعی، محسن؛ شریفی، معصومه، «مرجعیت علمی اهل بیت رسول خدا (علیهم السلام) با تأکید بر حجیت سنت ایشان از دیدگاه منابع اهل سنت»، اندیشه نوین دینی، شماره ۳۰، ساله هشتم، ۱۳۹۱، صص ۱۷۶-۱۵۵.
  ۱۰. صدوق، محمد. *معانی الاخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
  ۱۱. عبدالباقی، محمد فواد. *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
  ۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. *العین*، تحقیق دکتر مهدی مخزومی، ابراهیم سامرایی، چاپ دوم، قم: موسسه دارالهیجره، ۱۴۰۹ق.
  ۱۳. *کتاب مقدس (شامل کتب عهد عتیق و عهد جدید)*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ایلام، ۲۰۰۲م.
  ۱۴. محمد سلامه، عبدالفتاح. *أضواء علی القرآن الکریم (بلاغته و اعجازه)*، عربستان سعودی: جامعه الاسلامیه، بی تا.
  ۱۵. مصطفوی، حسن. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، جلد ۱۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
  ۱۶. مطهری، مرتضی. *مسأله حجاب*، مجموعه آثار، چاپ دوم، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
  ۱۷. مفید، محمد. *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا.